



انترناسیونال

۲۲۸

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه ۵ بهمن ۱۳۸۶، ۲۵ ژانویه ۲۰۰۸

منصور حکمت

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416

anternasional@yahoo.com

سردبیر: محسن ابراهیمی

علت مسابقه برای سازش با آمریکا ترس از مردم است!



مهرنوش موسوی

دامنه بحران و درگیریهای درون حکومت در آستانه نمایش انتخابات مجلس، وارد دورگسترده ای میشود. آخرین اخبار و صحنه آرایبی ها کدامند؟ حقیقت پشت این صحنه و آنچه مردم ایران باید بدانند چیست؟

صفحه ۵

در حمایت از هفته همبستگی با دانشجویان و زندانیان سیاسی مصاحبه با اصغر کریمی



انترناسیونال: حکومت اسلامی از این تعرض گسترده به دانشجویان چه هدف مشخصی را دنبال میکند؟ چرا این چنین سراسیمه و اینچنین گسترده به سراغ دانشجویان رفته است؟

اصغر کریمی: مبارزات دانشجویان

از ۱۸ تیر ۷۸ وارد فاز تازه ای شد. بنا بر این هدف جمهوری اسلامی روشن است. حکومتی که نق زدن ابعاد تازه ای گرفت. جنبش توده ای برای سرنگونی رژیم از همین جا شروع شد. و طبیعی بود که با گسترش مبارزه برای سرنگونی، این چپ است که در مقابل جریانانات مختلف راست رشد میکند. دانشگاه نمونه بارز این پیشروی چپ در کل جامعه در چند سال گذشته است و امروز دیگر با آزادی و برابری، با سوسیالیسم، با دفاع از کارگر، با لغو آپارتاید جنسی، آزادی بی قید و شرط بیان و آزادی زندانی سیاسی و لغو مجازات اعدام شناخته میشود.

صفحه ۶

در نتیجه اعتراض جهانی برای آزادی دانشجویان تعدادی از دانشجویان چپ آزاد شدند



روزبه صف شکن



امیر مهرزاد



ایلنا جمشیدی

دانشجویان

آزاد شده

و آخرین اخبار از
دانشجویان دستگیر شده

صفحه ۸



انوشه آزاد بر

چطور میتوان مضحکه انتخابات را بر سر حکومت خراب کرد؟

از میان سئوالات اینترنتی هفتگی حمید تقوایی

صفحه ۳

غزه: زندانی در میان

دیوارها و زیر بمبها و ...

در حاشیه رویدادها کاظم نیکخواه

صفحه ۲

در صفحات دیگر

برنامه حزب چه میخواهد؟
دعوت از مردم ایران و جهان
در همبستگی با دانشجویان
در همبستگی با دانشجویان
خلیل کیوان
اطلاعه حزب
فعالتهای حزب
اطلاعه فعالین کارگری

پوزه حکومت اسلامی را به زمین خواهیم مالید!

سخنرانی محسن ابراهیمی
در تورنتو
صفحه ۱۰

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



GETTY IMAGES

سیاسی و ناسیونالیسم عرب و حکومت اسرائیل و شمار بسیار دیگری که به این یا به آن طرف وابسته اند، در این بازی دخالت دارند. در نتیجه ساده لوحی است که کسی فکر کند این بحران به این سادگیها و مثلاً با گزارش سازمانهای اطلاعاتی آمریکا یا افت و خیزهای اینچینی حل خواهد شد. اگر به همین طرفهای درگیر واگذار شود، این بحران تا آینده قابل پیش بینی در چشم انداز خواهد بود.

اینکه قطعنامه جدید دقیقاً چه تحریمهایی را علیه ایران طرح میکند معلوم نیست اما روشن است که قرار است فشار بیشتری بر حکومت اسلامی گذاشته شود تا با آژانس اتمی بین المللی همکاری کند. اما روشن تر از آن اینست که تحت عنوان "بحران اتمی ایران" یک بازی شطرنج بسیار پیچیده و خطرناک از جانب طرفهای درگیر دارد به پیش

برده میشود. شطرنجی که خانه هایش از ۶۴ خانه شطرنج بسیار بیشتر است و طرفهای درگیر همه با هم شدیداً رقابت دارند و در عین حال نقطه ضعفها و نقطه قوتهای یکدیگر را بخوبی میشناسند. هیچ دو طرفی در این بازی منفعت مشترکی ندارند. رقابتهای اقتصادی و سیاسی شان بر نقطه اشتراکهایشان بسیار میچرد. رقابتهایشان در این بازی فقط بر سر ایران و خاورمیانه نیست بلکه به موقعیت و مصالح اقتصادی و سیاسی شان در سراسر جهان و در منطقه خاورمیانه گره خورده است. انواع و اقسام جانوران رنگارنگ بورژوازی از بورژوازی بزرگ غرب گرفته تا بورژوازی چین و روسیه، تا بورژوازی ایران و اسلام

خواهند گرفت. مردم فلسطین بحق از مردم متمدن جهان انتظار کمک و حمایت دارند. اما وجود جریانات مرتجع اسلامی و ناسیونالیستی در جلوی صحنه در این منطقه حمایت و پشتیبانی مردم متمدن و پیشرو جهان از مردم ستمزده فلسطین را نیز بسیار دشوار ساخته است. اما هرچند دشوار و یا دور بنظر برسد، این گره کور را نه بوش نه دولتهای غربی، نه الفتخ و دولت اسرائیل میخواهند یا میتوانند باز کنند. بلکه مردم فلسطین با دخالت فعال و جدی مردم متمدن جهان ناچارند راه انسانی حل مساله را در این گوشه بلازده جهان بگشایند.

توافق گروه ۵ + ۱ بر سر قطعنامه جدید علیه حکومت اسلامی

بنظر میرسد گروه کشورهای ۵+۱ در مورد تصویب قطعنامه جدیدی علیه حکومت اسلامی به توافق رسیده اند. وزرای خارج آلمان، آمریکا، چین، روسیه، بریتانیا و فرانسه روز سه شنبه ۲ بهمن (۲۲ ژانویه) در برلین در باره پرونده اتمی جمهوری اسلامی گفتگو کردند. بنا به گزارش یکی از مقامات حکومت آمریکا گفته است قطعنامه جدید مجازاتهای



در حاشیه رویدادها کازم نیکخواه

غزه: زندانی در میان دیوارها و زیر بمبها

هرکس که فیلم یا تصویر هجوم مردم محروم غزه به سوی مصر بعد از تخریب دیوار بتونی به سوی شهر "رفح" را دیده باشد قاعدتاً باید مثل من به یاد زندانیان و زندان و زندانیان افتاده باشد. غزه اکنون برآستی یک زندان بزرگ مملو و اشباع شده از زندانیانی است که از همه طرف در پشت دیوارها و زیر چکمه زندانبانان قرار دارند. در یک سو اسرائیل و تانکها و دیوارهای بتونی قرار گرفته اند، در سوی دیگر مصر و دیوارهای بتونیش و در درون نیز حماس و تروریستهای اسلامی تاندان مسلح و در حال کشیک دادن برای جلوگیری از ورود و خروج مردم هستند. و در طرف دیگر نیز نیروهای مسلح الفتخ قرار دارند که در حال آماده باش علیه حماس بسر میبرند و هر حرکتی در غزه را زیر نظر دارند. اسرائیل در هفته های اخیر آب و برق و گاز و ورود مواد خوراکی و دارویی را بر ساکنین غزه بست و آنها را از ورود کمکهای غذایی و دارویی که زندگی آنها به آن وابسته است نیز محروم کرد و یک تراژدی بزرگتر انسانی را جلوی چشم گذاشت. با خراب کردن قسمتهایی از این دیوار از سوی یک گروه نا مشخص از ساکنین غزه، در عرض یک روز بنا به گزارش یک روزنامه اسرائیلی ۳۵۰ هزار نفر پیاده، با گاری و موتورسیکلت و اتومبیل و اسب و الاغ از مرز گذشتند و وارد مصر شدند تا چیزی برای زندگی دست و پا کنند. هرکس هر چه میتوانست میخرید یا گدایی میکرد و با کوله پشتی سنگین باز میگشت. بعضی ها که امکان حمل و نقل بیشتری داشتند، چیزهایی نیز برای فروش با خود آورده بودند.

وضعیت مردم محروم فلسطین لکه ننگی بر تاریخ بشریت است. لکه ای که ادبار و رنجها و ستمگریهای قرن بیست و بیست و یک را میشود در گوشه زوایای آن دید. این مردم از همه چیز محرومند. اختیار و آزادی

از میان سؤالات جلسات هفتگی حمید تقوایی

این مطلب را ناصر احمدی پیاده و تایپ کرده است.

چطور میتوان مضحکه انتخابات را بر سر حکومت خراب کرد؟

حمید هادیان: حمید تقوایی، من دو سوال دارم. یکی اینکه ما در مورد انتخابات مجلس که جمهوری اسلامی برگزار می‌کند معتقد بوده ایم و هستیم که اینها بقدری مضحکه است که حتی قابل تحریم هم نیست. چون خواست اینکه مردم اینها را تحریم کنند این شبیه را ایجاد می‌کند که رژیم به نوعی و به شکلی مشروعیت دارد، و حالا انتخاباتش چون با انواع فیلتر و تقلب و غیره همراه است ما فقط به همین انتخاباتش ایراد داریم. مثل مثلاً انتخابات هفت سال پیش آمریکا، که آل گور، رقیب بوش از حزب دموکرات، بعد از آن افتتاحات و باختن به بوش رسماً و علناً اعلام کرد که ما چهار سال یکبار مردم را می‌آوریم سر صندلوق‌ها و برای مشروعیت نظام مان از آنها رای می‌گیریم، و حالا شما با تقلب‌هایی که کردید حتی مشروعیت کل نظام را برای مردم زیر سوال بردید. اما از نظر ما در حزب کمونیست کارگری» چنین موضعی در مورد این رژیم که از نظر ما و از نظر مردم کلاً باید برود، خاک پاشیدن در چشم مردم است. و به همین دلیل هم ما از مردم خواسته ایم، خود شما خواسته اید، که این انتخابات را "این مضحکه را بر سرشان خراب کنید". سوال من اینست که مصداق مشخص این "بر سرشان خراب کنید" چیست؟ مردم عملاً چطور می‌توانند این کار را بکنند؟

سوال دوم درباره اختلافات درونی جناح‌های رژیم است، و اینکه این اختلافات مدام حادث و در مقاطع تعیین کننده ای مثل همین انتخاباتی که در پیش است، یا مثلاً بر سر رابطه با آمریکا، تبدیل به دعوای خیلی شدید می‌شود. و این قاعدتاً باید اینها را ضعیف کند، و باز قاعدتاً مردم باید بتوانند و مترصد این باشند که از این دعوای بفرج خود و در جهت کم کردن شرین رژیم استفاده کنند. سوال اینست که مردم این کار را عملاً چطور می‌توانند بکنند؟

است و هیچ حزب و فردی که مورد تایید ولی فقیه و شورای نگهبان نباشد و یا در حال به جناحی که در مقطع انتخابات قویتر است و دست بالا را دارد وابسته نباشد یا اصلاً نمیتواند در انتخابات شرکت کند و یا اگر به بازی راهش دادند از صندوق بیرون نخواهد آمد. انتخابات برای جمهوری اسلامی امری کاملاً و رسماً و صریحاً مربوط به تعادل قوا میان جناحهای درونی خود حکومت است و بس!

همین الان بحث انتخابات آزاد که براه انداخته اند در مورد شرکت حزب مشارکت و دو خردیای دیگر نیروهای خودی حکومت در انتخابات است و نه آزادی همه احزاب و نیروهای سیاسی. این جار و جنجال بر سر حق و حقوق و تجدید تقسیم کرسیها بین خود دار و دسته های حکومتی است. بعد هم مجلسی که به این ترتیب سر هم میکنند مصوباتش به یک اخم و تخم ولی فقیه و یا شورای نگهبان بند است. باید با اسلام بخواند و با ولایت فقیه هم تعارضی نداشته باشد و شورای نگهبان را هم راضی کند و غیره و غیره. آتوقت به این مضحکه می‌گویند پارلمان و انتخابات پارلمانی!

اگر یک صدم این محدودیتها و شرط و شروطها در انتخابات یک کشور اروپایی وجود میداشت ده باره آن انتخابات را غیر قانونی اعلام میکردند. در این کشورها کافی است امکانات دولتی تبلیغ و معرفی کاندیداها به تساوی در اختیار احزاب شرکت کننده قرار نگیرد تا درجا انتخابات را بی اعتبار اعلام کنند. اما در جمهوری اسلامی حتی بیان چنین توقعاتی نشانه توهم و خوشحیالی است. همانطور که گفتم در این حکومت در سطح پایه ای تر و ابتدائی تری آزادیها نفی و لگد مال شده است. در جمهوری اسلامی نتیجه "انتخابات" و اینکه بالاخره چه کسی میتواند در این بازی شرکت کند و یا از صندوقها بیرون بیاید تماماً بسته به این است که چه جناحی در کشمکشهای داخلی حکومت دست بالا را دارد و چه تناسب قوایی در مقطع انتخابات بین دار و دسته های حکومتی برقرار است. بعبارت دیگر انتخابات در جمهوری اسلامی یک امر کاملاً درون حکومتی و مربوط به جناحها است، یک نمایش رسوا و مضحکه

تمام عیار است و به همین خاطر حتی تحریمش هم بی معنی است.

ببینید، اینجا تحریم به دو معنی پوچ و بی معنی است. اولاً احزاب معمولاً انتخاباتی را تحریم میکنند که حق شرکت در آن داشته باشند. کسی را که به مهمانی دعوت نکرده باشند نمیتواند به عنوان اعتراض به مهمانی نرود! نکته دوم در رابطه با مردم است. ممکن است گفته شود تحریم میکنیم که مردم شرکت نکنند. در این مورد هم باید گفت خیلی ممنون! مردم روشن تر و حکومت رسوا تر از این حرفها است که مردم نیازمند تحریم انتخابات باشند. این از جامعه بسیار عقب تر است. مردم نه تنها مدتهاست در انتخابات شرکت نمیکند بلکه در واقع بساط این نمایش را در هم میریزند. آخرین نمونه اش همین انتخاباتی بود که احمدی نژاد را از صندوق بیرون آوردند. باخاطر دارید که در جریان آن انتخابات مردم در میتینگها و سخنرانی های انتخاباتی مهلت صحبت کردن به کاندیداها ندادند. یادتان هست که کارگران در استادیوم آزادی چه بر سر رفسنجانی آوردند.

بحث ما اینست که مردم باید بطور فعال برای برهم زدن این مضحکه انتخاباتی بروی سر اینها و برای افشا کردن هرچه بیشتر اینها بمیدان بیایند و با اعتراضات خود این بساط را به هم بریزند. یک هدف جمهوری اسلامی اینست که در انتظار دولتهای غربی و افکار عمومی مردم دنیا چنین وانمود کند که ما انتخابات داریم و رای میدهیم و رای میگیریم و غیره. دقیقاً اینجاست که مردم باید بمیدان بیایند و این نمایش مسخره را بهم بریزند. در هر میتینگ انتخاباتی که برگزار میشود، در مقابل سفرهای انتخاباتی که به شهرها و استانهای مختلف انجام میگیرد مردم باید تعرض کنند و این مضحکه را بر سرشان خراب کنند و اینها را افشا کنند. مردم باید بگویند که آزادی دانشجویان زندانی چه شد؟! آزادی فعالین کارگری، منصور اسانلو و محمود صالحی بکجا کشید؟! چرا اعدام و سنگسار متوقف نمیشود؟! مردم باید کیفرخواستشان علیه این گرانی و بیکاری و فقر و بیحقوقی که در جامعه پیدای میکند را با صدای بلند اعلام کنند و یقه این حکومت را

بگیرند و مورد بازخواست قرار بدهند. نمایش و شو اینها را میشود و باید به یک حرکت وسیع افشاگرانه و تعرض پرقدرت و سراسری علیه کل این وضعیت تبدیل کرد.

امیدوارم روشن باشد چرا میگوییم انتخابات یک مضحکه است و وقتی میگوییم مضحکه انتخاباتی را بر سر حکومت خراب کنیم یعنی چه.

مردم چطور میتوانند

از اختلاف بین دار و

دسته های حکومتی

استفاده کنند؟

در مورد سئوال دوم تان هم باید بگویم بطور کلی اختلافات اینها بر سر اینست که جامعه را چطور کنترل کنند و اساس و کلیت جمهوری اسلامی را چگونه سر پا نگاهدارند. و بهمین خاطر این اختلافات جدی است. چون مسئله یک مسئله جدی است. چون یک جناح اینطور فکر می کند که سیاست و خط ولی فقیه باعث اوجگیری اعتراضات و شورش های شهری می شود و انقلاب می شود و از بساط کل حکومت هم چیزی باقی نمی ماند. و در این طرف هم عکس قضیه صادق است. یعنی جناح ولی فقیه هم فکر می کند که خطی که میانه روها و به اصطلاح "اصلاح طلبان" و غیره دارند برای موجودیت کل رژیم خطرناک است و مردم ممکن است که از آن استفاده کنند و رژیم را پایین بکشند.

مساله اعتراضات مردم برای اینها آنقدر جدی است که می بینیم عده ای از امام جمعه ها و آیت الله ها مثل منتظری "سکولار" شده اند! مسئله شان اینست که مردم وسیعاً از کل مذهب و دین رویگردان می شوند و "کافر" ببخدا میشوند. در برابر این وضعیت آخوندهای "سکولار" درواقع می خواهند کار و کسب آبا اجدادی شان را نجات بدهند! اینها می گویند لاف لاف طوری حرکت کنیم که حرمت خصوصی مذهب از بین نرود و این دکان ما تخته نشود. این دارو دسته از جناح های رژیم مسئله واقعی شان این است که از صنف آخوند و از صنف مفت خورهایی که قرنها با اسم خدا و قرآن و اسلام و غیره توانسته اند بساط خمس و

حقوق متهمین و مجرمین

از یک دنیا بهتر، برنامه حزب کمونیست کارگری

از دستگیری به خودی خود جرم نیست. نبردهای انتظامی بدون کسب اجازه از خود فرد و یا از مرجع قضایی صاحب صلاحیت حق استنطاق و بازرسی شهروندان و یا ورود به اماکن خصوصی آنها را ندارند.

استقلال پزشکی قانونی و نهادهای تخصصی و لابراتوارهای فنی و علمی و پزشکی که وظیفه بررسی مدارک عینی جرم را برعهده میگیرند، از پلیس و مراجع انتظامی. این نهادها باید تابع دادگستری باشند.

مرجع دریافت و بررسی شکایت از پلیس باید مرجعی مستقل از پلیس و نبردهای انتظامی باشد. نتایج تحقیقات این مرجع باید علنا به اطلاع عموم برسد.

کل پرونده ها و اطلاعات نبردهای انتظامی در مورد هر فرد باید به سهولت برای او قابل دسترسی و مطالعه باشد.

ناظر بودن قوانین کار و امور اجتماعی و رفاه و بهداشت عمومی بر شرایط زیست و فعالیت اقتصادی زندانیان.

اداره زندانها باید بر عهده نهادهای مستقل از پلیس و نبردهای انتظامی و تحت نظر مستقیم دادگستری قرار گیرد.

هیات های بازرسی منتخب مردم حق دارند به تشخیص و انتخاب خود ولو بدون اطلاع قبلی از زندان ها بازدید و بازرسی نمایند.

"بدون اعلام جرم فقط ۲۴ ساعت اجازه بازداشت وجود دارد. این بازداشتگاه موقت نباید زندان باشد، بلکه بخشی از مقر نیروی انتظامی است که تسهیلات متعارف را دارد. قبل از دستگیری باید حقوق فرد بازداشتی به اطلاع او برسد.

هرکس حق فراخواندن وکیل و یا شاهد برای دستگیری و بازجویی خود را دارد. هرکس حق دارد حداکثر تا یکساعت پس از بازداشت دو بار تلفنی با وکیل و نزدیکان خویش و یا هرکس که صلاح میداند تماس بگیرد.

ماموران انتظامی قبل از اعلام جرم حق ندارند بدون اجازه فرد از او انگشت نگاری کنند، عکس بگیرند و یا آزمایش های پزشکی و تست های کروموزومی بعمل بیاورند.

به مجرد دستگیری باید بستگان درجه یک بازداشتی و یا هرکس که خود او تعیین کند از بازداشت وی مطلع شوند.

هر نوع شکنجه، ارباب، تحقیر و اعمال فشار فکری و روانی بر افراد بازداشتی، متهمین و محکومین مطلقاً ممنوع است و مبادرت به آن جرم جنایی محسوب میشود.

کسب اعتراف با تهدید و تطمیع ممنوع است.

مقاومت غیر خشونت آمیز در برابر دستگیری، تلاش غیر خشونت آمیز برای فرار از زندان و یا اجتناب

برچیدن کل بساط آن از شر سیستم قضائی اش هم رها خواهد شد.

مذهب، هر مذهبی ضد زن است. قوانین جمهوری اسلامی ایران بنحو آشکاری این ضدیت با زن را در سیستم قضائی وارد کرده است. زن در این نظام از بی حقوق ترین مردم جهان است. بر مبنای این نگرش و سیستم قضائی متکی بر آن یک آپارتاید تمام عیار بر زنان ایران نزدیک به سه دهه است تحمیل شده است. جمهوری اسلامی ده ها میلیون نفر را در مقابل خود دارد. جنبش گسترده و قدرتمندی بر علیه این تبعیض، جمهوری اسلامی را به مصاف طلبیده است و پایه های آن را بلرز در آورده است.

کودک در نظام حقوقی جمهوری اسلامی جزو مایملک اولیاست. و حتی نه بصورت برابر برای زن و مرد. همه از قوانین طلاق و حق حضانت که اساساً و در اغلب موارد حق سرپرستی را به پدر میدهد خبر دارند. کتک زدن کودک هنوز در آن جامعه جرم نیست. قوانین آن مملکت یک زندگی شاد و بدور از اجحاف را حق کودک نمیداند. سیستم قضائی در جمهوری اسلامی اعدام کودک را مجاز میداند. ایران در مقام اول در اعدام کودکان در جهان شناخته شده است. از این نظر هم کوتاه کردن دست جنایتکار جمهوری اسلامی از سر کودکان فقط با پایان کار آن ممکن است.

اینها فقط نمونه هاست. مردم ایران جزو بی حقوق ترین مردم جهان اند. بر اساس سیستم قضائی جمهوری اسلامی ایران مردم حقوقی ندارند. لیستی از بی حقوقی ها را دارند؛ حق تشکل ندارند، زن و مرد حق برابر ندارند، کودک حق داشتن یک زندگی شاد را ندارد، کارگر مهاجر حق ندارد، مردم منتسب به مذاهب دیگر حق شرکت در بسیاری از شئون اجتماعی را ندارند، آزادی پوشش ندارند و ...

این لیست طولانی است. سیستم حقوقی جمهوری اسلامی اصلاح پذیر نیست. تازه اگر اصلاح شدنی هم بود شایسته مردم نیست. خلاصی از این سیستم حقوقی ضد بشری و ناعادلانه فقط با پایان کار جمهوری اسلامی ایران ممکن است. جمهوری اسلامی را با کل اندام و جوارح آن و از جمله سیستم حقوقی آن باید برای همیشه جاروب کرد. مردم ایران مدت هاست به این نتیجه رسیده اند. *

برنامه حزب چه می خواهد؟

خلیل کیوان، عضو دفتر سیاسی پاسخ میدهد

جمهوری اسلامی و سیستم حقوقی اش اصلاح پذیر نیست

سیستم های قضائی نگاه کنیم. برای مثال مجرترین و کلا بطور معمول گرانترین آنها هم هست. به همین دلیل مردم کم درآمد از دسترسی به چنین امکانی بواسطه موقعیت طبقاتی و علی رغم برابری در قانون، محروم هستند. بنابراین عدالت قضائی بصورت کامل، فقط با نفی سیستم سرمایه داری و با برابری انسانها میسر است. برابری نه فقط در مقابل قانون بلکه برابری واقعی در استفاده برابر از امکانات مادی جامعه ممکن است. عدالت قضائی همه جانبه فقط در نظام سوسیالیستی ممکن است.

انترناسیونال: آیا تحمیل یک چنین شرایطی به جمهوری اسلامی اصولاً امکانپذیر است؟

خلیل کیوان: سیستم قضائی جمهوری اسلامی ایران بر پایه نگرش مذهبی بنا شده است. در این نگرش انسان در مقابل خدا و نمایندگان زمینی اش باید بی چون و چرا تسلیم باشد. بی حقوق باشد. در نگرش مذهبی این انسان و نیازهای او نیست که مرکز توجه است، دین و پاسداری از منافع زمینی دینداران اصل است. بر اساس این نگرش و قوانین متکی بر آن نظامی بنا شد که مخالفین خود را بنام محارب با خدا و رسول خدا، مخالف با اسلام و ولی فقیه از دم تیغ گذراندند. آدمکشی گسترده سازمان دادند. هولوکاست بر پا کردند. مخالفین سیاسی و ایندولوژیک خود و مردم منتسب به مذاهب دیگر را تحت بیشرترین فشارها قرار دادند. این رفتار با مردم ایران باعث شده است که جامعه ایران یکی از ضد مذهب ترین جوامع جهان باشد. ایران مرکز تولید جوك برای خدا و دست انداختن مذهب و اولیا خدا شده است. این جامعه فقط با یک مذهب زدانی کامل و با جاروب کردن جمهوری اسلامی و

انترناسیونال: بند زیر از برنامه یک دنیا بهتر، مربوط به حقوق متهمین و مجرمین است. اصولی که مبنای چنین بندی در برنامه حزب است چه ها هستند؟

خلیل کیوان: مبنای این بند برنامه ما تضمین عدالت قضائی برای همه در جامعه است. تامین قضاوت مستقل و منصفانه برای همه احاد جامعه است. از نظر ما و برنامه حزب، حق همه انسانهاست که صرف نظر از تعلقات قومی و نژادی و جنسی و مذهبی خود، صرف نظر از باورهای سیاسی و فکری شان بطور یکسان از عدالت در قضاوت و حکمیت برخوردار باشند. این آن اصولی است که این بند برنامه به آن متکی است.

نظام حقوقی در هر جامعه ای آینه مناسبات اجتماعی آن جامعه است. انعکاسی از میزان ارزش، منزلت و حقوق فرد و انسان در جامعه است. در جامعه سرمایه داری حقوق فرد محصول تناسب قوای طبقاتی است. هر چقدر کارگر داری حقوق بیشتری باشد، شهروند جامعه با حقوق تر و منزلت او بیشتر است و برعکس میزان بی حقوقی کارگر، درجه بیحقوقی شهروند جامعه را نشان میدهد. بی حقوقی مطلق مردم در ایران محصول همین رابطه است.

هر چقدر مفهوم عدالت در نگرش فلسفی به حقوق فرد در جامعه قویتر باشد، به هر میزان انسان ارزش داشته باشد، به هر میزان کارگر در جامعه سرمایه داری سنگرهای معنوی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را تسخیر کرده باشد، به همان اندازه هم نظام حقوقی انسانی تراست.

از اینرو، هر چقدر هم سیستم حقوقی در جامعه سرمایه داری در نتیجه مبارزات طبقه کارگر تلطیف شده باشد، هنوز عدالت رعایت نشده است. کافی است به پیشرفته ترین

www.wpiran.org **سایت حزب:**

www.rowzane.com **سایت روزنه:**

www.anternasional.com **نشریه انترناسیونال:**

www.newchannel.tv **سایت کانال جدید:**

آدرس تماس با حزب:

Tel: 0046-739318404

Fax: 0046- 8 6489716

Email: markazi.wpi@gmail.com

آدرس پستی

I.K.K

Box: 2110

127 02 Skärholmen - Sweden

از صفحه ۱ علت مسابقه برای سازش با ...

انتخابات مجلس هشتم به عنوان یک صحنه زورآزمایی نگاه میکنند. انتخابات در رژیم اسلامی همیشه فرجه‌ای برای دهن باز کردن بحران و شکاف حکومتی بوده است. آنچه امروز این شکاف را عمیقتر و در معرض قضاوت مردم قرار میدهد، مسابقه برای احراز موقعیت و مکان مناسب در استراتژی سازش و بند و بست با غرب و آمریکا در دل این انتخابات است. تنها تفاوت این دور جدید از بحران حکومتی در آستانه انتخابات، همین است. بقیه مسائل از جمله رد صلاحیتها، نقش شورای نگهبان، نظارت استصوابی و غیره بهانه است. ۳۰ سال هست در این مملکت مضحکه و مسخره بازی را به اسم انتخابات میفرشند و تک تک کسانی که امروز یاد نقش ولایت فقیه افتاده اند در تمام مومنتومهای این سیرک سیاسی شریک بوده اند. خودشان تحت همین شرایط، این مضحکه را برپا و در صندلی قدرت جابجا شده اند. لذا باید و میتوان گفت که دعوا جای دیگری است. اما بد نیست برای کشف حقیقت به خود صحنه بنگریم و در آن تعمق کنیم. ببینیم خودشان در باره خودشان چه میگویند؟

در وهله اول و مدتها قبل از شروع کمپین انتخاباتی و کاندیداتوری و ثبت نام، مداوما مثلث هاشمی، خاتمی و البته کمتر کرویوی را در صحنه داشتیم. وزنه هاشمی در ابتداء بیشتر بود. امروز به نظر میرسد هاشمی نمیخواست کارگزاران را هزینه کند. نقش دوم را خاتمی با سفرهای استانی اش ایفاء کرد. حضور وی در ۱۶ آذر در دانشگاه در دل دو خردادیهای ورشکسته قند آب کرد. کلید انتخابات را خاتمی در دانشگاه تهران زد. اکنون باید دید در مقابل رد صلاحیت شدن اینها، وی چه مواضعی اتخاذ خواهد کرد. کرویوی از همه خرابتر است. به سازش رسیدن وی با خامنه‌ای نشان داد که جبهه مقابل رهبر کالیبر این رودررویی را ندارد. در میان جریان دوم خرداد، کمیته انتخابات آزاد شیرین عبادی و ابراهیم یزدی آب پاکی را روی دستشان ریخت. اینها خیال خودشان را راحت کرده، رسماً با دعوت از آمریکا و غرب برای دخالت "آزاد" کفش و کلاه کردند. کمیته انتخابات آزاد با دعوت از نظارت

مراجع بین المللی با زبان بی زبانی اعلام کرد که نظارت استصوابی و شورای نگهبان و خود خامنه‌ای را نمی پذیرد و وقت تصویب حساب با خامنه‌ای با سیمه غرب و آمریکا رسیده است. حزب مشارکت و مجاهدین انقلاب اسلامی و بقیه احزاب و جریانات رسمی درون و حاشیه حاکمیت نمیتوانستند به این آشکاری سراغ انتخابات و جنگ قدرت برای حذف خامنه‌ای و دعوت از آمریکا و غرب بروند. استراتژی آنها روی این سوار شد که "فله ای شرکت میکنیم" چرا؟ برای اینکه "هزینه رد صلاحیت ها را بالا ببریم." رد صلاحیت وسیع کاندیداها این امکان را به دوم خردادها میدهد که امروز آشکارتر از قبل از لزوم نظارت بین المللی و غرب و حذف نقش خامنه‌ای دم بزنند! مگر نه اینکه خواستند در همین انتخابات "تأزاد" شرکت کنند و راهشان ندادند؟ بهزاد نبوی رسماً میگوید که مسئولیت اینکه اینها پای دفاع از نظارت بین المللی و نیروی خارجی بروند پای کسانی است که فله ای رد صلاحیت کردند! این راهی است که دو خردادیها برای وصل شدن به استراتژی پرو غرب در متن انتخابات پیبومند. اینجا به وضوح مشاهده میکنیم که یک حلقه مهم از سیاست دو خردادیها و پرو غربیهای درون و حاشیه نظام در انتخابات فعلی، جور کردن بساط انقلاب مخملی از بالا، برپایی یک رفراندوم یا انتخابات نمایشی با آرزوی بیرون کردن خامنه‌ای، حذف نظارت استصوابی و فرمت کردن حکومت در حلقه اول و آماده کردنش برای رفتن به سمت حکومت پرو غربی و دلخواه آمریکا در منطقه است. مشکلی اگر این وسط پیدا شد همان هست که تاج زاده میگوید! قرار بود دو خردادیها برای انقلاب مخملی بسترسازی کنند، رهبر دستش را جلو انداخت و شخص خودش انقلاب مخملی و یا به قول ایشان کودتای مخملی پارلمانی را کلید زد! دوم خردادیها به شدت ترسیده اند. میگویند که پس از انتشار گزارش سازمانهای اطلاعاتی آمریکا، جناح راست در موقعیت بالاتری قرار گرفته است. آنها بر این باورند که نظر به مذاکرات عراق و توافق نامه‌هایی که فی المثل در خود حاشیه کنفرانس خلیج، توسط

شخص احمدی نژاد و مقامات آمریکایی امضاء شده است، جناح راست را در مقابل اینها در موقعیت بهتری قرار داده است. اکنون این خود خامنه‌ای و احمدی نژاد هستند که ابتکار سازش با آمریکا و رابطه با آنها را در دست دارند و لذا استراتژی سازش در بیرون و سرکوب در داخل را دنبال میکنند. ناگفته نماند که منظور دوم خردادیها از سرکوب، کوتاه کردن دست خودشان از لفت و ویس در قدرت است! منظور اینها جنگ بر سر سهم بری جناحی و هژمونی در پروژه سازش با آمریکا است. دو خردادیها بر این اعتقادند که اگر جناح خامنه‌ای به پای سازش با آمریکا رفته باشد برای مهار و کنترل اوضاع، دیگر به دوم خردادیها نیاز ندارد. وسط زمین و هوا و لشان میکنند تا زمین بخورند. لگد کردن دست و پای هم برای دست بالا پیدا کردن در ساخت و پاخت با آمریکا علت این جدال است. علتی که خود، البته ریشه در مسائل بنیادی تری دارد. به این برمیگردم. برخورد جناح خامنه‌ای، طرف دیگر این صحنه آرایی است. خامنه‌ای در یزد رسماً اعلام کرد که ابتکار رابطه با آمریکا دست شخص خود وی در راس حلقه "مرکز استراتژیک و دکترینال رهبری"، سپاه و احمدی نژاد و وفاداران وی است. خامنه‌ای در یزد اعلام کرد که اگر آمریکا فکر میکند که ما سفارت برای آنها باز میکنیم که ببینند و از پایین دنبال آدم بگردند و بعد علیه حکومت توطئه کنند، خیال باطل کرده اند. پیام خامنه‌ای به آمریکا این بود که توطئه علیه وی پیبوده است. خطیر بودن اوضاع را هم ایشان دریافته و حاضر است جام زهر را سر بکشد. اما وقت، زمان و نحوه اش را خود وی، با احتساب موقعیت خود و جناح تعیین میکند!

پیام جرح بوش در سفرش به خاورمیانه خشم کیهان را برانگیخت. بوش اعلام کرد که آمریکا از اصلاح طلبان منطقه حمایت میکند! کیهان، پاسخ بوش را به اصلاح طلبان داد. کیهان اعلام نمود که پس کلبه اینها مزدورند! رد صلاحیت وسیع دو خردادیها جواب رادیکال به این مسئله بود که اگر قرار است کسی با برپایی انتخابات مخملی علیه خامنه‌ای کودتا کند، بهتر است اصلاً در انتخابات از همان اول جایگاهی نداشته باشد. مگر غیر از

این است که دو خردادیها میخواهند بواسطه انتخابات نوع اوکرائین، خامنه‌ای را ببرند، خب این بار خامنه‌ای است که به شیوه مخملی اینها را حذف میکنند! مجاهدین انقلاب اسلامی در نامه به رهبری، تاکیدشان بر این واقعیت بود که میدانند کیهان حرفهای ناگفته خامنه‌ای را میزند.

اکنون دو خردادیها دارند یواش یواش دم از تحریم انتخابات میزنند، هدفشان به باور من کشاندن پای مراجع غربی و بخصوص دولت آمریکا به دخالتگری مستقیم در بحران حکومتی ایران برای حذف خامنه‌ای است. حال که با موشک کروز نشد، با رفراندوم و به شیوه مخملی!

اما سؤال این است چرا هر دو اینها در هر دو طرف صحنه، رابطه با غرب و آمریکا را میخواهند؟ چرا خامنه‌ای میخواهد با آمریکا بسازد؟ چرا بهزاد نبوی میخواهد؟ چرا هاشمی و جواب این سؤال را لااقل بهزاد نبوی به روشنی داده است. ایشان در مصاحبه با اعتماد میگوید که یک زمانی حمله امام به آمریکا و شیطان بزرگ خواندن این دولت باعث انسجام ما در حکومت میشد، امروز بر عکس است. سازش ما با آمریکا ما را منسجم میکند. حالا این انسجام را ایشان برای چه میخواهد؟ برای یک چیزی که وجود آن، آنطور که آقای نبوی میگوید امنیت کشور را به هم میزند. ایشان میگوید: "ما به عنوان یک جریان اصلاحی مسیرمان برای تغییر وضع موجود به وضع مطلوب مسیر شرکت در انتخابات است. برای تبدیل وضع موجود به وضع مطلوب در جهان سه راه بیشتر متصور نیست. ۱- انقلاب. ۲- توسل به قدرت خارجی مثل اتفاقاتی که در افغانستان و عراق رخ داد. ۳- حرکت اصلاحی. ما که جزء دسته سوم هستیم و معتقد به دو روش دیگر نیستیم، ... مع الوصف از این مذاکره هم استقبال می کنیم چون ممکن است اگر دیرتر شود، اوضاع بدتر شود. لذا مذاکره و برقراری رابطه با آمریکا را مشروط به حفظ منافع ملی تایید کرده ایم، حتی توسط این آقایانی که در حال حاضر حاکم هستند... مبادا در شرایطی با آمریکا رابطه برقرار کنیم که برای حفظ خودمان مجبور شویم تمام منافع کشور را به طرف مقابل

واگذاریم... البته اگر آنها عاقلانه فکر کنند به این نتیجه می رسند که حتی حفظ امنیت ملی کشور در گرو یک انتخابات سالم، آزاد و رقابتی است. انتخابات قانونی آزاد، سالم و رقابتی است که می تواند امنیت کشور را هم تضمین کند..."

این اساس استراتژی و هدف همکیشان هست. بهزاد نبوی، خامنه‌ای و بقیه میدانند که ایران افغانستان نیست. بوش و کل هیئت حاکمه آمریکا هم این حقیقت را میدانند. اینها اگر گزینه حمله نظامی را کنار گذاشتند به این دلیل بود که فاکتور وجود جنبش و مبارزه مردم ایران حتی در محاسبات جنگی هم فاکتور تعیین کننده ای بود. علاوه بر شکست تجربه عراق، مانع اصلی به باور من، ترس از هجوم مردم در شرایط خلاء قدرت ناشی از حمله نظامی بود. در عراق ناسیونالیسم عرب حاکم بود، اپوزیسیون آمریکا در عراق در شرایط ضعف کمونیسم کارگری، اسلام سیاسی شد. در ایران که اسلام سیاسی حاکم است، ولو در شرایط جنگی، پوزسیون آن فقط میتواند چپ باشد. این محاسبه ریاضی است. این را خامنه‌ای و بوش و جناب نبوی هم میدانند! گزینه اصلاح حکومت هم دود شده و به هوا رفت. مردم ایران و چپ جامعه این بازی را برند. نتوانستند، نشد، شکست خوردند. مردم با جمهوری اسلامی اهلی شده کنار نیامدند. منصور حکمت امان دوم خرداد را برید. تمامشان را در سوراخ کرد. پروژه اصلاحات را کمونیسم کارگری بوسیله کنفرانس برلین و کمپین سیاسی، تبلیغی سنگین علیه سازش و حفظ حکومت، با شکست کامل استراتژیک در جامعه ایران مواجه کرد. این خواست امثال آقای نبوی نبود. دوم خرداد و پروژه اصلاحات از جوانان این مملکت که چپی شده اند، از زنان جسور، از عصیان ضد دینی اصیل و تشنه و از کمونیست کارگری در راس اینها شکست خورد. هر کس قبول ندارد زندگی به دفتر هرالد تریبون بزند! این نیویورک تایمز هست که مجبور هست اعلام کند رهبران جنبش کمونیستی دانشگاه در زندانند! پذیرفته اند که دانشگاه را یک شبکه جوان ۲۴ ساله کمونیست تصرف کرده اند که درسشان را در نزد منصور حکمت خوانده اند.

لذا تنها راهی که در بی افقی کامل صفحه ۷

از صفحه ۱ در حمایت از هفته همبستگی...

دانشگاهها در سراسر کشور ریشه دوانیده است و چنان قدرتمند است که حتی با دستگیری بسیاری از فعالین و رهبران آن، ۱۶ آذر را وسیع و باشکوه برگزار میکنند. اما هدف صرفاً محدود کردن رشد چپ در دانشگاه نبود. باید آنرا در هم میکوبید و فعالین و رهبران را به اسارت میگرفت تا مردم معترض در کل جامعه و بویژه سوسیالیست هائی که در راس جنبش های اعتراضی مختلف هستند، پس بنشینند و حساب خود را بکنند. باید دانشگاه و چپ را در دانشگاه سرکوب میکرد تا مانع خیزش بیشتر کل مردم به جان آمده شود. در يك كلام هدف عقب راندن جنبش سرنوشتی از یکطرف و از طرف دیگر جلوگیری از پیشروی کمونیسم بود. اما علیرغم هر وقفه ای که با این دستگیری ها بر سر راه مبارزات دانشجویی و بطور مشخص جریان چپ و سوسیالیست ایجاد کند، این خیال عبثی است که بتواند مانع گسترش مبارزات مردم و مانع رشد سوسیالیسم و کمونیسم کارگری شود. آنچه در دانشگاهها و در سراسر کشور در همین چند هفته بعد از دستگیری های گسترده روی داده است، همین را نشان میدهد.

انترناسیونال: اهمیت سیاسی شکست این تعرض رژیم، برای دانشجویان، برای اعتراض مردم و برای پیشروی مبارزه مردم چیست؟

اصغر گرمی: تعرض رژیم را باید در هم شکست. این از هر نظر اهمیت دارد. دهها دانشجوی آزادیخواه را به زندان انداخته اند باید آنها را از چنگالشان بیرون کشید. این اولین اهمیت در هم شکستن تعرض رژیم است. باید مبارزه برای آزادی دانشجویان دستگیر شده و کل زندانیان سیاسی را گسترش داد و این امروز يك سنگر پیشروی مردم علیه حکومت است. یکی از مهمترین سنگرها است. باید رژیم را عقب راند تا کل نقشه اش علیه اعتراض بخش های مختلف مردم و علیه پیشروی کمونیسم، کمونیسم کارگری، در جامعه را نقش بر آب کرد. این دومین اهمیت مبارزه برای عقب راندن رژیم است. و سومین اهمیت این است که در صورتی که مبارزات مردم در داخل و در سطح بین المللی

قادر شود این تعرض را در هم شکنند و دانشجویان زندانی را از اسارتگاهها بیرون بیاورد، به هر درجه که موفق شود، راه پیشروی مبارزه مردم بسیار وسیعتر، همبستگی مردم بیشتر، روحیه مبارزه جوئی بالاتر، و اعتماد بنفس در میان بخش های مختلف مردم و منجمله دانشجویان بالاتر خواهد رفت. پیروزی مردم در این مبارزه، افت موقت مبارزات دانشجویی را پایان میدهد و سنگرهای مبارزه حق طلبانه و آزادیخواهانه را نه تنها در دانشگاهها بلکه همه جا بسیار مستحکمتر خواهد کرد. راه عروج کمونیسم کارگری را هموارتر خواهد ساخت و دست جمهوری اسلامی را بسته تر خواهد کرد. نقشه ارباب جامعه در این صورت بیشتر پوچی خود را بر همگان نشان خواهد داد و ناتوانی رژیم در برابر مردم بیشتر عیان خواهد شد.

انترناسیونال: اهمیت سیاسی و عملی فراخوان خانواده های زندانیان سیاسی چیست؟

اصغر گرمی: اهمیت سیاسی شکست رژیم در این سنگر را توضیح دادم. از نظر سیاسی بویژه در شرایط امروز جامعه ایران، سنگر مبارزه برای آزادی دانشجویان دستگیر شده و کل زندانیان سیاسی، تعیین کننده و بسیار مهم است. و خانواده های دانشجویان در هفته های اخیر این سنگر را محکم تر کرده اند. مبارزه بی وقفه خانواده ها در این دوره از جلوه های درخشان مبارزه عادلانه مردم و از جلوه های درخشان تسلیم ناپذیری مردم است. نقش آنها حقیقتاً قابل تقدیر است و فراخوان آنها شایسته حمایت گرم همه ما. در حالیکه پاپوش دوزی علیه عزیزان آنها، در کنار اخبار شکنجه و اذیت و آزار زندانیان، این قلب خانواده ها را در هم میفشرد اما يك روز هم خانه ننشستند و هرچه از دستشان برمیآمد انجام دادند. خواست آزادی دانشجویان را بر داروخانه خود نصب کردند، درمقابل زندان و سایر ارگانهای رژیم مدام تجمع کردند، مردم را به حمایت فراخواندند، برای رساندن صدای خود به مردم با رسانه ها مصاحبه کردند، و با رشادت در مقابل حکومت ایستادند. به التماس

نیفتادند، تضرع نکردند، با احساس حقانیت و با اعتماد بنفس و با سرافراشته از عزیزان خود و از آرمان عزیزان خود دفاع کردند و با صدای بلند اعلام کردند که آزادی بیان حق مردم و برگزار روز دانشجو حق دانشجو است. و بنابراین صرفنظر از اینکه ندای مادران و پدران و سایر اعضای خانواده يك زندانی سیاسی خطاب به جامعه از هر ندائی موثرتر و بسیج کننده تر است و همبستگی و همدردی می آفریند، بدلیل نقشی که در این دوره ایفا کردند و اتوریته ای که در جامعه پیدا کردند، فراخوان آنها اهمیت زیادی دارد، بسیار موثرتر واقع میشود چون خود آنها در صف اول مبارزه دارند راه را هم نشان میدهند. این از نقطه نظر روحیه زندانیان نیز نقش حائز اهمیتی دارد.

از زمان دستگیری دانشجویان، خانواده ها همراه با دانشجویان دانشگاههای مختلف به اشکال مختلف مردم را به شرکت در مبارزه برای آزادی زندانیان فراخوانده اند و هر انسان آزادیخواهی باید از همه این فراخوانها به هر شکل و به هر میزانی که بتواند حمایت کند. فراخوان کنونی خانواده ها و بخشهایی از دانشجویان در چندین دانشگاه در تهران و مشهد و اهواز و شیراز برای برگزاری يك هفته همبستگی با دانشجویان و زندانیان سیاسی نقطه تازه ای در این مسیر است. هر کس هر کاری دارد باید بگذارد و به این فراخوان پاسخ دهد. این فراخوان باید با بیشترین عکس العمل مواجه شود. اهمیت سیاسی عقب راندن رژیم در این سنگر در واقع فراخوانی به همگان است که با تمام قوا در این مبارزه عادلانه و آزادیخواهانه شرکت کنند. هر کارگری، هر زن آزادیخواهی و هر جوان حق طلبی برای پیشروی خود احتیاج دارد این مبارزه را تقویت کند و رژیم را در این سنگر مهم شکست دهد.

انترناسیونال: اهمیت همبستگی جهانی با این فراخوان چیست؟

اصغر گرمی: داخل و خارج دو قلمرو مختلف مبارزه مردم برای خلاصی از این حکومت است. طیف وسیعی از مهاجرین ایرانی در کشورهای مختلف هستند که برخلاف تبلیغات گاه و بیگاه برخی جریانات، که اکثراً آبشخورشان همان رژیم و یا حواشی آن است، میتوانند در سرنوشت مبارزه در داخل کشور

مستقیماً دخیل باشند. اما علاوه بر نقشی که مهاجرین ایرانی میتوانند ایفا کنند، به یمن سالها فعالیت احزاب و جریانات سیاسی و در راس آنها حزب کمونیست کارگری، نطفه های يك همبستگی گسترده در سطح بین المللی و در میان مردم آزادیخواه و انساندوست کشورهای مختلف با مردم ایران شکل گرفته است و روز بروز ابعاد وسیعتری بخود میگیرد. امروز در سطح نسبتاً وسیعی با مردم ایران علیه اعدام و سنگسار همبستگی میشود، علیه بیحقوقی زن یا در دفاع از کارگر و یا برای آزادی زندانیان سیاسی همبستگی شکل میگیرد و این هنوز شروع يك جنبش بسیار عظیم است. بنظر من جنبش آزادیخواهانه مردم ایران، به این دلیل که در مقابل اسلام سیاسی قرار دارد و به این دلیل که شعارها و مطالبات سوسیالیستی و آزادیخواهانه بر آن حاکم است، این زمینه را دارد که حمایت مردم جهان از آزادیخواهانه مردم ایران، به مردم آفریقای جنوبی علیه آپارتاید نژادی، و حتی وسیعتر و همه جانبه تر و عمیقتر به خود جلب کند.

نتیجتاً، جلب همبستگی با دانشجویان زندانی در عین حال که مبارزه برای آزادی دانشجویان را تقویت میکند در عین حال جزئی از يك استراتژی مهم مبارزه برای محکومیت رژیم اعدام، رژیم آپارتاید جنسی، رژیم سرکوب کارگر و جزئی از استراتژی سرنوشتی جمهوری اسلامی است. و همینطور جزئی از استراتژی به میدان کشیدن این نیرو در کنار جنبش سوسیالیستی در مقابل جنبش های ارتجاعی دیگر است.

همبستگی جهانی از يك نقطه نظر دیگر نیز برای مبارزه مردم ایران حیاتی است و آن گذاشتن فشار دائمی بر حکومت های غربی و ممانعت از بند و بست های آنها با جمهوری اسلامی است.

بسیج افکار عمومی مردم آزادیخواه، بسیج ایرانیان مهاجر، کار لابی ایستی و فشار به دولتها و احزاب و نهادهای بین المللی با هدف جلوگیری از بند و بست با جمهوری اسلامی و وادار کردن آنها به فشار بر جمهوری اسلامی در زمینه حقوق و آزادی های مردم، شاید محورهای اصلی فعالیت در سطح بین المللی را توضیح دهد. و هرکدام از این عرصه

ها حجم زیادی از فعالیت را لازم دارد. جمهوری اسلامی افشای چندی در میان مردم دنیا لازم ندارد، فی الحال به یمن سالها فعالیت گسترده منقور است. مهم در دستور گذاشتن راهها و اشکالی است که این نفرت و انزجار بین المللی بسیج شود، بالفعل شود و به حرکتی تبدیل شود.

انترناسیونال: حزب از این فراخوان حمایت فعال کرده است. چه اقداماتی در دستور حزب است تا این همبستگی هر چه قویتر و موثرتر برگزار شود؟

اصغر گرمی: در داخل کشور تمرکز هرروزه روی این مساله و خبررسانی به مردم از طریق برنامه های مختلف تلویزیونی و مصاحبه با اعضای خانواده ها و وکلا و نیز از طریق سایتها و میلینگ لیست ها، تلاش برای ایجاد همبستگی با خانواده های دانشجویان در میان کارگران و بخشهای دیگر جامعه، جمع آوری طومار، خبررسانی منظم از جمعاعات اعتراضی خانواده ها و غیره و در خارج کشور تظاهرات و پیکت در مقابل مراکز رژیم یا در مراکز و میادین شهرهای چندین کشور، برگزاری تعداد قابل توجهی نمایشگاه عکس از دانشجویان و مبارزات آنها، حجم وسیعی از توزیع اطلاعیه و فراخوان به زبانهای مختلف به شکل پخش در میان مردم یا از طریق میلینگ لیستهای بزرگ برگزار شب های همبستگی، بسیج سازمان های دانشجویی و سازمانهای کارگری در همبستگی با دانشجویان زندانی و سایر زندانیان سیاسی و محکومیت رژیم، ملاقات با نهادهای حقوق بشر و همینطور کمیسیون های حقوق بشر دولتهای غربی و اتحادیه اروپا به منظور اعمال فشار بر آنها و وادار کردنشان به محکومیت رژیم و خواست آزادی دانشجویان و زندانیان سیاسی و تلاش برای انعکاس این فعالیت ها و فراخوانها در رسانه های مختلف این کشورها رئیس اصلی فعالیت حزب را تشکیل میدهند. در هفته های گذشته این فعالیت ها از طرف واحدهای مختلف حزب جریان داشته است و گوشه ای از آنها در نشریات و سایت های حزب کمونیست کارگری منعکس شده است. *

دعوت از مردم ایران و جهان:

هفته همبستگی با دانشجویان و زندانیان سیاسی

۱۳ تا ۲۰ بهمن ۱۳۸۶، ۲ تا ۹ فوریه ۲۰۰۸

میخوانیم. بویژه از همه ایرانیان ساکن خارج کشور و همچنین همه جریانات و احزاب اپوزیسیون دعوت میکنیم تا در تظاهرات ها و اقدامات هفته همبستگی با دانشجویان و زندانیان سیاسی در ایران فعالانه شرکت کنند و خود ابتکاراتی را در دستور بگذارند. ما از دانشجویان سراسر کشور، کارگران و زنان و معلمان و همه مردم آزاده میخواهیم که فعالانه به هفته همبستگی با دانشجویان و همه زندانیان سیاسی بپیوندند. حزب کمونیست کارگری با تمام توان تلاش میکند که هفته همبستگی با دانشجویان و زندانیان سیاسی هرچه پر قدرت تر و وسیعتر برگزار شود.

زنده باد همبستگی جهانی برای آزادی دانشجویان و زندانیان سیاسی در ایران

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۸ ژانویه ۲۰۰۸، ۲۸ دی ۱۳۸۶

معنی دقیق کلمه يك زندان بزرگ برای کارگران، معلمان، زنان، جوانان و همه مردم معتض است. حزب کمونیست کارگری خود را در نگرانی خانواده های دانشجویان و سایر اسیران سیاهچال های رژیم عمیقاً شریک میداند و در حمایت از فراخوان جمعی از خانواده های دانشجویان زندانی و جمع هایی از دانشجویان دانشگاه های مختلف کشور که ۱۳ تا ۲۰ بهمن (۲ تا ۹ فوریه) را بعنوان هفته همبستگی با دانشجویان اعلام کرده اند، این هفته را بعنوان هفته همبستگی با دانشجویان و همه زندانیان سیاسی اعلام میدارد. ما همه مردم آزاده، همه کارگران و سازمانهای مترقی در جهان و ایران را به اقدام مشترك و متحد برای آزادی فوری دانشجویان و کارگران و همه زندانیان سیاسی فرا

فوری، گسترده و پر قدرت در داخل و خارج کشور برای آزادی همه دانشجویان در بند و همه زندانیان سیاسی تاکید میگردد. نه فقط دانشجویان که بسیاری از فعالین مدافع حقوق زن و فعالین کارگری در زندان بسر میبرند و یا تحت تعقیب ارگانهای امنیتی و قضایی جمهوری اسلامی قرار دارند. محمود صالحی و منصور اسانلو به مراقبت پزشکی فوری نیاز دارند و جان و سلامت آنها در زندان در خطر است. گروههای وسیعی از مردم بندر ترکمن را بدون هیچ پاسخگویی به زندان انداخته اند. بسیاری از فعالین معلمین تحت تعقیب قرار دارند و اخیراً یکی از رهبران آنها به سه سال زندان محکوم شده است. ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی به

این نگرانی را شدت تقویت میکند که این دانشجویان تحت فشار شدید شکنجه و بازجویی های وزارت مخوف اطلاعات جمهوری اسلامی قرار دارند. از سوی دیگر رژیم اسلامی موج جدیدی از احضار فعالین دانشجویی به "کمپته های انضباطی" را شروع کرده و دهها تن از دانشجویان سراسر کشور تحت تعقیب این ارگانهای پلیسی - انگیزاسیون اسلامی قرار گرفته اند. این اقدام تاکیدی بر نقشه وسیع و ددمنشانه جمهوری اسلامی برای سرکوب دانشجویان و فضای آزادیخواهی و برابری طلبی در دانشگاه است. هدف رژیم این است که دانشجویان را در موضع دفاعی قرار دهد و مانع شکل گیری يك اعتراض وسیع و سراسری در دانشگاه ها شود. اخبار فوق بر ضرورت يك اقدام

اخباری که از وضعیت حدود ۶۰ دانشجوی زندانی در ایران میرسد بسیار نگران کننده است. همین چند روز پیش یکی از دانشجویان زندانی در سنندج زیر شکنجه دژخیمان به قتل رسید. بیش از ده دانشجوی چپ و آزادیخواه به تازگی دستگیر شدند. طی نزدیک به دو ماه که از زندانی شدن دانشجویان چپ میگذرد بسیاری هنوز ملاقات نداشته اند. آنها که ملاقات داشته اند بسیار کنترل شده و تحت نظارت بازجویان بوده و همه چیز خبر از زندانی های انفرادی طولانی مدت میدهد. مقامات قضایی و امنیتی رژیم اسلامی آشکارا خانواده ها را سر میدوانند و به خواست ها و اعتراضات مکرر آنها وقعی نمی نهند. همه این اخبار

ده ها نفر در در استرالیا با امضای طوماری از دانشجویان در بند جمهوری اسلامی، حمایت نمودند

در حمایت از دانشجویان در بند، فعالین حزب کمونیست کارگری ایران در استرالیا، پنجشنبه ۱۷ ژانویه، در حومه "مریلندز"، اقدام به برگزاری میز اطلاع رسانی و افشاگرانه علیه جمهوری اسلامی نمودند.

این میز با عکسهای دانشجویان دستگیر شده، پلاکاردها و شعارهایی از قبیل "طومار آزادی دانشجویان را امضاء کنید"، "صالحی را آزاد کنید"، "مرگ بر جمهوری جنایتکار اسلامی ایران"، "سران جمهوری اسلامی ایران باید به جرم جنایت علیه بشریت محاکمه شوند"، ترتین شده بود. اطلاعاتی حزب کمونیست کارگری ایران در مورد دستگیری دانشجویان واسامی آنان و درخواست حمایت و پشتیبانی از آنان، بدست عابرین رسانده شد. ده ها نفر با امضای طومار خواهان آزادی دانشجویان شدند.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران
۲۴ ژانویه ۲۰۰۸، ۴ بهمن ۸۶

از صفحه ۵ علت مسابقه با سازش با...

ایران باید از این فرصت استفاده کند، به میدان بیایند و دست خود را در دست حزب کمونیست کارگری ایران بگذارند. هیچ راه وسطی نمانده است. یا مردم با حزب کمونیست کارگری بساط اینها را جارو میکنند یا اینها سازش با آمریکا را به سوبسید تحمیل دور جدیدی از اختناق و بی حقوقی تبدیل میکنند. مردم باید به سمت حزب کمونیست کارگری ایران حرکت کنند. حزب کمونیست کارگری اعلام میکند که با تمام قوا آمادگی چفت شدن، استقبال و هدایت و رهبری مردم ایران را دارد.*

آبشهای آقای نبوی الان محتملترین گزینه، خیزش عمومی مردم ایران است. مردم ایران دارند مدتهاست با زبان چپ از نفرت خود علیه نظام حرف میزنند. این آن وحشتی است که به قیمت از سر گذراندن آن، حاضرند حکومت را هم بدهند.

مردم ایران چه باید بکنند؟

مردم ایران ابتدا باید این حقیقت را از لابلای جنگ اینها بر سر سازش با آمریکا در پوشش انتخابات در یابند. مردم ایران باید تصویر قدرت خودشان را در صورت اینها از روبرو ببینند. مردم

خودشان میخواهند تا مردم به صحنه نرسیده اند، جمهوری اسلامی را مرخص کنند. از بالا، با ساخت و پاخت. بیهوده نبود که استراتژیست خامنه ای در دانشگاه تهران، جناب حسن عباسی اعلام کرد که الان خطر عمده حمله نظامی نیست. خطر عمده، مردم و خشمشان از حکومت است!

اختلافی اگر دارند بر سر چند و چون مرخص کردن حکومت اسلامی است. دو خرادایها میخواهند خامنه ای را هزینه کنند، خامنه ای هم اینها را. مشکل اصلی اما مردمند. مردم کل اینها را نمی خواهند. در

ایران! خوب حالا سؤال این است که چکار بکنند که در ایران انقلاب روی نهد، چپ و عدالتخواهی پیروز نشود. تمام منظور اینها در باره امنیت کشوری الواقع خطر خیزش عدالتخواهانه مردم است. علت اینکه همگیشان میخواهند با آمریکا بسازند، ترس از همین خیزش مردم است! این عین حرفهای آقای نبوی است. میترسند دیر بشود و زمانی وارد مذاکره بشوند که تمام منافع کشور را به مردم واگذار کنند!

برایشان در هر دو طرف مانده است سر کشیدن جام زهر است. بیچاره ها دست به دامان سازش با آمریکا شده اند. چاره دیگری ندارند. خود جناب نبوی فرضش این هست که این اوضاع قابل دوام نیست. تمام شده! تاریخ مصرف اسلام تمام شده، تاریخ مصرف حکومت اسلامی تمام شده است. اگر آقای نبوی از پنجره به بیرون نگاه کند میبیند چه کسی این حکم را جلو ایشان و حکومتش گذاشته است: مردم

آخرین اخبار از دانشجویان دستگیر شده

- ۱- سروش دشتستانی
- ۲- امین قضائی
- ۳- بیژن صباغ (دانشگاه مازندران)
- ۴- آناهیتا حسینی (دانشگاه تهران)
- ۵- مرتضی خدمتلو
- ۶- محمد پور عبدالله (دانشگاه تهران)
- ۷- بیتا صمیمی زاد (دانشگاه پلی تکنیک)
- ۸- بهزاد باقری (دانشگاه تهران)
- ۹- سروش ثابت (دانشگاه شریف)
- ۱۰- مرتضی اصلاحچی (دانشگاه علامه)
- ۱۱- مصطفی شیروانی
- ۱۲- حبیب الله لطیفی (دانشگاه آزاد ایلام)
- ۱۳- عابد توانچه (به نقل از آزادی برابری)
- ۱۴- مهدی گریلو (ژنو فیزیک، تهران)
- ۱۵- نادر احسنی دانشگاه مازندران
- ۱۶- سعید حبیبی (عضو اسبق شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت)
- ۱۷- بهروز کریمی زاده (دانشگاه تهران)
- ۱۸- کیوان امیری الیاسی

صفحه ۱۲

علی کلایی، ایلانز جمشیدی، بهروز کریمی زاده، مهدی گریلو و مهدی الهیاری موفق به ملاقات با فرزندانشان شدند. اما به خانواده سهراب کریمی که از سنندج به اوین آمده بودند، اجازه ملاقات داده نشد. وی از زمان بازداشت تا کنون تنها یک ملاقات داشته است. مادر کیوان امیری، پس از ملاقات روز دوشنبه با پسرش، نسبت به شرایط نامعلوم فرزندش معترض شده و گفت: "ما ابتدا تلاش کردیم تا بتوانیم فرزندانمان را ببینیم، اما حالا دیگر ملاقات پسرمان از پشت شیشه، نمی تواند من را راضی کند." دادگاه انقلاب به خانواده این دانشجو، اعلام کرده که پرونده او هنوز به دادگاه ارسال نشده است. به گفته ی خانواده امیری، او هفته گذشته نیز در چند نوبت تحت بازجویی قرار گرفته است.

بنا به گزارشها يك فعال دانشجویی در شهر قزوین به نام علی کانظوری بازداشت شده است. به گزارش آوای دانشگاه بعد از خبر مرگ مشکوک دانشجوی سنندجی اخباری مبنی بر وضعیت بد يك دانشجوی ایلامی به نام حبیب الله لطیفی دانشجوی دانشگاه آزاد ایلام، که بیش از ۷۰ روز است در بازداشت به سر می برد می رسد.

نادر احسنی با گذشت بیش از ۵۰ روز از دستگیری خود، حق استفاده از تلفن و ملاقات با خانواده را بدست نیاورده اند.

به خواهر وی ماموران زندان در پاسخ به اعتراض این خانواده به آنها گفته اند که نادر چون در برابر بازجو مقاومت کرده است، حق تماس تلفنی و ملاقات را ندارد.

مادر کیوان امیری، پس از ملاقات روز دوشنبه با پسرش، نسبت به شرایط نامعلوم فرزندش معترض شده و گفت: "ما ابتدا تلاش کردیم تا بتوانیم فرزندانمان را ببینیم، اما حالا دیگر ملاقات پسرمان از پشت شیشه، نمی تواند من را راضی کند." دادگاه انقلاب به خانواده این دانشجو، اعلام کرده که پرونده او هنوز به دادگاه ارسال نشده است. به گفته ی خانواده امیری، او هفته گذشته نیز در چند نوبت تحت بازجویی قرار گرفته است.

بنا به گزارش رسیده کاوه پرویزی در شهر کامیاران بازداشت شد و بلافاصله به اداره اطلاعات سنندج فرستاده شده است.

تاکون موفق به تأمین قرار وثیقه برای فرزندانش نشده اند. از میان دانشجویانی که در ۲۴ دیماه دستگیر شدند، تنها بیژن صباغ و سروش دشتستانی در این هفته در ۱ بهمن ملاقات داشتند. باقی خانواده های این دانشجویان هنوز نتوانسته اند خبری در مورد محل نگهداری و علت بازداشت و وضعیت سلامت فرزندان زندانی خود دریافت کنند و با وجود پیگیری ها هنوز پاسخ مشخصی به آنان داده نشده است. همچنین به منازل برخی از این دانشجویان از جمله سروش دشتستانی، امین قضایی و بیژن صباغ هجوم برده شده و خانه های آنان مورد تفتیش قرار گرفته است. خانواده های این دانشجویان، صبح روز دوشنبه ۱ بهمن با مراجعه به زندان اوین، مقادیری پول و لباس به زندان تحویل دادند تا به دست فرزندانشان برسد.

روز دوشنبه ۱ بهمن (دوشنبه ها روز ملاقات برای زندانیان بند ۲۰۹ است) خانواده های کیوان امیری الیاسی، نسیم سلطان بیگی،

روزیه صف شکن، دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه تهران، در روز ۱۳ آذرماه، در حالی که قصد خروج از دانشگاه را داشت، بازداشت شد و روز یکشنبه ۳۰ دی پس از ۵۰ روز با وثیقه ی ۱۵۰ میلیون تومانی از زندان آزاد گشت.

ایلانز جمشیدی، دانشجوی ارتباطات دانشگاه آزاد تهران مرکز، روز ۲ بهمن پس از گذشت بیش از ۵۰ روز با تودیع وثیقه ۱۰۰ میلیون تومانی از زندان اوین آزاد شد.

امیر مهرزاد روز ۱ بهمن پس از ۵۰ روز زندان با وثیقه ی ۸۰ میلیون تومان از زندان اوین آزاد شد. قبلاً نیز گزارش کردیم که دانشجویان محسن غمین، انوشه آزادبر و فرشید فرهادی آهنگران روز ۳۰ دی با وثیقه های ۸۰، ۳۰ و ۵۰ میلیون از زندان آزاد شدند.

صبور قرار وثیقه برای تعدادی از دانشجویان، فشاری دیگر بر خانواده های این دانشجویان است. از جمله خانواده نسیم سلطان بیگی، که به شرط تأمین وثیقه ۵۰ میلیون تومانی از زندان آزاد می شود،

روز دوشنبه ۱ بهمن (دوشنبه ها روز ملاقات برای زندانیان بند ۲۰۹ است) خانواده های کیوان امیری الیاسی، نسیم سلطان بیگی،

ذکات و موقوفات و غیره شان را نگهدارند، خلع ید نشود! احساس خطر می کنند و میخوانند صنف مذهب را نجات بدهند. این "سکولاریسم" نوع آخوندی هم یکی از خطوط مخالف ولی فقیه در حکومت است.

اما برای حکومتی که پایه ای ترین حقوق مردم را انکار می کند این اختلافات فقط می تواند اعتراضات مردم را تشدید کند. می خواهم بگویم برای اینکه يك جامعه ای مثل ایران را بتوانند کنترل کنند باید حکومت یکپارچه ای مثل صدام و یا شاه بر سر کار بیاید، شاه گرچه هم بالاخره نتوانست سر کار بماند و مردم پایبندش کشیدند، توانسته بود برای مدتها جامعه را به تمکین و تسلیم بشکاند. اما جمهوری اسلامی قادر به برقراری چنین اختناقی نیست. مردم نمیگذارند.

اساس قضیه اینست که این حکومت با يك بحران اقتصادی و

دعواهای بین اینها استفاده کنند، مسلماً این اختلافات دورن حکومتی به نفع مردم عمل میکند اما نه به این معنی که مردم بروند پشت پرچم این یا آن جناح برای زدن جناح دیگر. یعنی همان اشتباهی که در دوره خاتمی و حمایت از دوم خرداد کردند، نه! الان دیگر مردم این تجربه را پشت سر گذاشته اند و به هیچکدام از دارو دسته های رژیم توهمی ندارند و فهمیده اند که این راهش نیست، بلکه راه استفاده درست مردم از این اختلافات دورن حکومتی اینست که با پرچم و شعارهای مستقل خودشان بیدار بیایند و امر خودشان را بیشتر به پیش ببرند. این همان کاری است که دارند می کنند، و ما هر روز در مبارزات مردم شاهد هستیم. اگر مردم در دوره گذشته انتخابات در استادیوم آزادی توانستند رفسنجانی را سکه يك پول کنند و بگذارند کنار، مسلماً اختلاف رفسنجانی و ولی فقیه در ایجاد این امکان برای مردم نقش داشت. ولی

های مختلف شان به آن اجازه نمی دهند که گورستان آریامهری دیگری برقرار کند، و بهمین خاطر است که در جریان دعواهای بین جناح های خودشان هم هرروز وضع شان بدتر و بدتر از پیش می شود.

این حکومت نه می تواند مردم را کنترل کند و نه می تواند جناح های خود را متحد نگهدارد. اگر خاتمی می توانست مردم را ساکت کند و به خانه بفرستد الان در حکومت بود. اگر خامنه ای می توانست، الان توانسته بود همه دوزخادی ها را تابع خود بکند و هیچ جناحی هم با او مخالفتی نمی کرد.

معضل لاینحل اینها اعتراضات مداوم مردم است. از طرف دیگر دعوا بین جناحهای حکومتی باعث می شود که مردم بیش از پیش حالت تعرضی پیدا کنند. یعنی رابطه متقابل وجود دارد بین تعرض و مبارزات مردم با بحرانی که در درون صفوف خود رژیم برای کنترل جامعه وجود دارد.

اینکه مردم چطور می توانند از

از صفحه ۳ از میان سؤالات ...

سیاسی و اجتماعی مزمن روبروست و به همین دلیل قادر به برقراری وضعیتی شبیه گورستان آریا مهری نیست. سرمایه داری در ایران به رژیمی احتیاج دارد که بتواند مثل حکومت شاه همه بالایی ها را بطور متحد زیر فرمان خود داشته باشد. اما اگر وحشی تر از اینها هم بر سر کار بیایند ولی نتوانند مردم را مرعوب کنند و ساکت نگهدارند بازهم نخواهند توانست از این بحران ها نجات پیدا کنند. شاه يك دهم این توحش را نداشت، اما توانسته بود جامعه را مرعوب و ساکت کند بطوری که نه تنها از آزادی مطبوعات و احزاب و غیره خبری نبود بلکه مردم از سایه خودشان هم می ترسیدند. وضع طوری بود که اتهام "توهین به اعلیحضرت" دهان هر کسی را می بست. این وضعیت آن جامعه بود. حکومتی مثل صدام هم در عراق همین طور بود. مسئله جمهوری اسلامی اینست که مردم با اعتراض

در همبستگی با دانشجویان زندانی

در حمایت از فراخوان خانواده های دانشجویان
برای جلب حمایت جهت آزادی دانشجویان و تمام زنانیان سیاسی

میز اطلاع رسانی و نمایشگاه عکس در نروژ برگزار میگردد

زمان: شنبه 2 فوریه از ساعت 12 تا 16
محل: اسلو، مقابل پارلمان

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران - نروژ
تماس: 004798694001
Rahimi37@yahoo.com

بمناسبت هفته همبستگی

با دانشجویان زندانی

شب همبستگی و میزهای اطلاعاتی در لندن

برگزار میشود

* برای افزایش جنایات جمهوری اسلامی
* در حمایت از فراخوان خانواده های دانشجویان
* برای آزادی دانشجویان و تمام زنانیان سیاسی

میزهای اطلاعاتی روزهای شنبه و یکشنبه 2 و 3 فوریه

شب همبستگی با دانشجویان و زندانیان سیاسی شنبه 16 فوریه در لندن برگزار میشود
همه شما مردم آزادیخواه را به شرکت در این برنامه ها فرامیخوانیم.
با شرکت در این برنامه ها به خواست خانواده های دانشجویان زندانی و دانشجویان دانشگاههای
مختلف پاسخ دهید.

زمان و محل دقیق این برنامه ها بعدا به اطلاع خواهد رسید
کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی
07950924434



تلفن تماس و شماره حسابهای کمک مالی:

کمک های خود را میتوانید
به این حسابها واریز کنید و
یا از طریق تماس با واحدها
و مسئولین حزب در
کشورهای مختلف تماس
بگیرید و راهنمایی بخواهید.

شماره حساب ها:

انگلیس:

Account nr. 45477981
Sort code: 60-24-23
Account holder: WPI
Branch: wood green
Bank: Nat West

سوئد:

پست جیرو 60-3-60 639
صاحب حساب IKK

آلمان:

Rosa Mai
Konto. Nr.: 583657502
Bankleitzahl: 37010050
Post Bank

اگر از ایران ارسال میکنید:
میتوانید از طریق دوستانتان
در خارج به حساب های
فوق واریز کنید، و یا با
شماره تلفن
۰۰۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸
تماس بگیرید تا راه های
دیگر را به شما معرفی کنیم.
تقاضا میکنیم در همه موارد
میزان و مشخصات مبلغ واریز
شده و اسمی که باید اعلام شود
را به ما اطلاع دهید.

دانشجویان دانشگاه فرانکفورت به استقبال هفته همبستگی با دانشجویان زندانی در ایران میروند

شب همبستگی با دانشجویان زندانی

روز جمعه ۱ فوریه از ساعت ۶ بعدازظهر

برنامه شامل:

سخنرانی و نمایش فیلم کوتاهی از مبارزات دانشجویان در ایران همراه با نمایشگاه عکس
از همه ایرانیان مقیم فرانکفورت دعوت میکنیم با شرکت در این برنامه، همبستگی خود را با
دانشجویان زندانی در ایران اعلام کنند.

کلیه دانشجویان زندانی و کلیه زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند.

آدرس: دانشگاه فرانکفورت
Bockenheimer Warte

ساختمان مرکزی آستا
ASTA (KOZ)

برای اطلاعات بیشتر می توانید با شماره تلفن های زیر تماس حاصل نمایید.
0172-9716227 و 0163/6154384

برگزار کننده: تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران- آلمان
جمعی از دانشجویان دانشگاه فرانکفورت

سوسیالیسم
پا خیز!
برای
رفع تبعیض

یک دنیای بهتر
برنامه حزب
را بخوانید
و در سطح وسیع
توزیع کنید

به حزب
کمونیست
کارگری
پیوندید

اساس سوسیالیسم انسان است.
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.

پوزه حکومت اسلامی را به زمین خواهیم مالید

سخنرانی محسن ابراهیمی در تورنتو

در شب همبستگی با دانشجویان دستگیر شده

این جلسه توسط کانون خاوران و فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی در کانادا فراخوان داده شده بود



صف اعدام و سنگسار و فعال سیاسی مخالف حکومت اسلامی، انسانهای گمنامی نیستند که حکومت اسلامی بتواند براحتی سرشان را زیر آب کند و آب از آب تکان نخورد.

همین دیروز کارگران در اندونزی در مقابل سفارت رژیم اسلامی به یک حرکت اعتراضی عظیمی برای آزادی اسانلو دست زدند. همین دیروز دانشجویان دانشگاههای کانادا و دهها اتحادیه کارگری و نهادهای انساندوست نامه های شدیدالحن به سران حکومت اسلامی نوشتند و خواهان آزادی دانشجویان شدند. کاخ فاسد اسلامی در ایران زیر بمباران نامه های اعتراضی رهبران کارگری و سازمان انساندوست قرار گرفته است. میتوانیم و باید با تلاشهای گسترده چنگال خونین حکومت اسلامی را در مقابل چشمان مردم جهان بگیریم و مردم شریف دنیا را برای آزادی عزیزانمان بسیج کنیم.

و البته اگر بتوانیم این حکومت را مجبور به آزادی دانشجویان بکنیم، ستون سرکوب این حکومت ترک بزرگتری بر خواهد داشت. اعتماد به نفس و جرئت اعتراض بالا خواهد رفت. مبارزه گسترش خواهد یافت و جمهوری اسلامی یک قدم دیگر به گودل مرگش نزدیکتر خواهد شد.

همبستگی جهانی در تاریخ نتایج عظیم داشته است. ماشین غول پیکر و جناتیکار نظامی آمریکا را در ویتنام، کمونیستها و مردم ویتنام هم شکستند اما مردم جهان و مخصوصا اعتراض مردم آمریکا دستشان را برای شکست این

فریاد زدند، یکتاتور برو گم شو، فاشیست برو گمشو.

به عنوان مثال دوم، اخیرا حکومت اسلامی خیل وسیعی از لپنهای امر به معروف و نهی از منکرش را به خیابانها ریخت تا با بگیر و ببند و ارباب زنان و جوانانی که به اسلام و اوامرش دهن کجی میکنند جایش را سفت کند اما همان چند روز همه این دار و دسته دمشان را روی کولشان گذاشتند و به لانه هاشان برگشتند و روسای حکومت اسلامی به جان هم افتادند و مسئولیت این اوباشگری را به گردن هم انداختند و جنتی مجبور شد اعتراف کند که طرح امنیت اجتماعی "تیمه جان" مانده است.

امروز شرایط بیش از پیش آماده است که این ستون ترك خورده را به طور کامل در هم بشکنیم. در شرایطی که همه چشمها به ایران دوخته شده است، راحتتر میتوانیم مجبورشان کنیم که عزیزان در بند ما را آزاد کنند. همچنانکه توانستیم انسانهایی مثل کبرا رحمانپور و نازنین فاتحی را از يك قدمی گودال سنسگار نجات دهیم. به یمن تلاشهای شبانه روزی انسانهای زیادی در ایران و خارج از کشور، به یمن تلاشهای ما، دیگر رهبر کارگری، دانشجوی مبارز، زن در

با رهنمودهای ضد انسان اسلام و قران و شریعت دست همه شکنجه گزهای تاریخ را از پشت بسته اند.

اما جنبه سیاسی مسئله به همان اندازه جنبه انسانی اش مهم است. هدف فوری ما از این تلاش و همبستگی بین المللی مقابله با دستگاه سرکوب حکومت اسلامی است. حکومت اسلامی روی دو ستون تا همینجا خودش را کشیده است. عوامفریبی و ارباب و سرکوب. ابزار فریب این حکومت با پایان حیات سیاسی دوم خرداد و شارلاتانی به نام خاتمی تمام شد. اما پای سرکوب حکومت اسلامی هم ترکهای جدی برداشته است. نزدیکترین مثال وضعیت خنده دار و تراژیک احمدی نژاد است. این دلچک

وفادار امام زمان را شمشیر دستش داده بودند و زنجیرش را ول کرده بودند که مثلا اوضاع را به روزهای تاریخ سالهای ۶۰ و ۶۷ برگرداند: زمانیکه جلالان خدا و سرمایه دسته دسته انسانها را بیخ دیوار میگذاشتند و می کشتند و با آب و تاب در روزنامه هایشان اعلام میکردند. دیدیم که چگونه این دلچک همان ماههای اول مسخره عام و خاص شد. دانشجویان جلوی چشم وزارت اطلاعات و سپاه پاسداران چشم در چشم دوختند، تمثالش را به آتش کشیدند و با صدای بلند

دوستان عزیز

قبل از هر چیز کشته شدن ابراهیم لطف الهی زیر شکنجه در زندان جمهوری اسلامی را به خانواده عزیزش، به دانشجویان و به شما صمیمانه تسلیت میگویم.

در فرصت بسیار کوتاهی که دارم میخواهم توجه شما را به يك جنبه مهم از موضوعی که امروز به خاطرش گرد آمده ایم جلب کنم: اهمیت همبستگی با زندانیان سیاسی؛ اهمیت تلاش و مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی؛ مشخصا اهمیت تلاش برای آزادی دانشجویانی که در یورش رژیم در ۱۶ آذر به سياهچالهای رژیم اسلامی برده شدند.

جدا از جنبه سیاسی اش، این موضوع برای ما يك جنبه عمیقا انسانی دارد. نباید و نمیتوانیم دست روی دست بگذاریم و جلوی چشمانمان، شریفترین انسانهای آن جامعه حتی برای يك لحظه هم از تنفس هوای تازه محروم شوند. آنچه به خاطر ابراز عقیده و مبارزه برای حقوق انسانیشان. نباید و نمیتوانیم دست روی دست بگذاریم و این انسانها را زیر دست و پای سربازان سرمایه و خدا و پیغمبر و ارادلسان در روی زمین رها کنیم. زیر دست و پای لپنهایی رها کنیم که با ترکیب مدرنترین ابزار و تکنولوژی شکنجه

کمک مالی فعالین کارگری به صدای انسانیت

با سلامهای گرم و صمیمانه

امیدوارم حال همه رفقا خوب باشد. ما فعالین کارگری متشکل در حوزه انترناسیونال در دومین نشست خودمان که برای جمع آوری کمک مالی به تلویزیون برگزار کردیم، همانطور که در اطلاعیه اول خودمان اعلام کردیم، به عنوان یکی از اسپانسرهای تلویزیون با مشارکت جمعی مبلغ ۴۰۰۰۰۰۰ ریال (چهار میلیون ریال) کمک جمع آوری و به حزب ارسال مینمائیم.

امیدواریم کمک های ما و سایر رفقا در جهت ادامه کاری تلویزیون، این ابزار و صدای انسانیت موثر افتد.

زنده باد حزب کمونیست کارگری ایران

حوزه انترناسیونال

۲۴/۱۰/۸۶



مرگ بر جمهوری اسلامی!
زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

مرگ بر جمهوری اسلامی!
زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

مردم شوستر دست به تظاهرات زدند و به بانک های این شهر حمله کردند

بنا به گزارش دریافتی حوالی ساعت ۵ بعدازظهر روز جمعه ۲۸ دیماه، حین برگزاری مراسم تاسوعا، یکی از عوامل نیروی انتظامی شهرستان شوستر به یکی از جوانان این شهر در محل چهار راه امام اهانت کرد و با عکس العمل آن جوان به درگیری با او پرداخت و این خشم مردم را برانگیخت و به تظاهرات مردم علیه حکومت اسلامی تبدیل شد.

اعتراض مردم که با تعقیب و گریز و زد و خورد با ماموران توأم گردید، بلافاصله ابعاد وسیعتری بخود گرفت. در طول مسیر خیابان طالقانی منتهی به میدان ۱۷ شهریور، جوانان و مردم معترض با شکستن شیشه های شعب مرکزی بانک های تجارت، ملی و صادرات خشم و انزجار خود را به سرکوبگران رژیم نشان دادند. لازم به توضیح است که رژیم از قبل مامورین امنیتی زیادی را میان دستجات سینه زنی و در پیاده روها سازمان داده بود.

عوامل سرکوبگر نیروی انتظامی با توسل به تیراندازی هوایی مردم معترض را متفرق و از گسترش تظاهرات آنان جلوگیری کردند. بنا به همین خبر و در اثناء پراکنده شدن

مردم، نیروی انتظامی موفق به دستگیری دو نفر از جوانان شد که از وضعیت آنان اطلاعی در دست نیست.

در نتیجه فضای اعتراضی، رژیم از برگزاری مراسم نماز ظهر عاشورا که مراسمی حکومتی است خودداری کرد. تظاهرات مردم شوستر، بیانگر گوشه ای از خشم و نفرت عظیمی است که در سراسر کشور و در میان بخش های مختلف مردم علیه حکومت فقر و سرکوب اسلامی تلنبار شده است.

حزب از اعتراضات حق طلبانه جوانان و مردم آزادیخواه شوستر علیه اقدامات دد منشانه نیروی های سرکوبگر رژیم اسلامی قویا حمایت میکند و آنان را به پیگیری وضعیت دستگیر شدگان و مبارزه برای آزادی آنها فرا میخواند.

آزادی، برابری، حکومت کارگری
مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۰ ژانویه ۲۰۰۷، ۳۰ دیماه ۱۳۸۶

سایت حزب: www.wpiran.org

سایت روزنه: www.rowzane.com
نشریه انترناسیونال: www.anternasional.com
سایت کانال جدید: www.newchannel.tv

آدرس تماس با حزب:

Tel: 0046-739318404

Fax: 0046-8 6489716

Email: markazi.wpi@gmail.com

آدرس پستی

I.K.K

Box: 2110

127 02 Skärholmen - Sweden

نفس وجود رژیم اسلامی بحران زاست مردم کاشمر بازم بخاطر کمبود گاز دست به تجمع اعتراضی زدند

مردم کاشمر روز یکشنبه ۳۰ دیماه در اعتراض به کمبود گاز در این شهرستان و بی توجهی دولت، مقابل فرمانداری دست به تجمع زدند. مردم معترض با حمل پلاکاردهای "بی گازی تا کی؟" و "مستولان چرا پاسخگو نیستند"، خواستار اقدام سریع مسئولین در وصل مجدد گاز شدند. کاشمر قریب به یکماه است که در بی گازی بسر میبرد. مردم از فرمانداری خواهان توضیح بودند که چرا آنها پس از این مدت طولانی هیچ اقدامی جهت حل بحران بی گازی شهر انجام نداده اند. فرماندار کاشمر با حضور در تجمع مردم ضمن عذرخواهی، وعده داد که سریعاً به این وضعیت خاتمه دهد.

این دومین تجمع اعتراضی مردم کاشمر در اعتراض به بی توجهی دولت بود.

یکماه گذشت، بخش وسیعی از کشور کماکان در سوز سرما در بی گازی بسر میبرد. تلفات انسانی روزانه افزایش می یابد. زندگی مردم مختل شده است. در قرن بیست و یکم رژیم اسلامی با بی توجهی به معیشت و آسایش مردم، جنگ مرگ و زندگی را به میلیونها انسان تحمیل کرده است. مردم در شهرهای مختلف رژیم را مسبب این وضعیت میدانند و اعتراض میکنند، کسی توجهات مقامات حکومت را نمی پذیرد. دیگر نمی پذیرند که قطع واردات گاز از ترکمنستان علت بحران است. مردم نمی پذیرند که ایران با داشتن ۲۳ تریلیون متر مکعب ذخایر گاز طبیعی (۴۷ درصد ذخایر گاز طبیعی خاورمیانه)

، پس از یکماه کماکان در شرایطی بسر ببرند که مجبور باشند از سوز سرما بلرزند، بیماران خود را روانه بیمارستان ها کنند و مرگ عزیزانشان را شمارش کنند.

جمهوری اسلامی و نظام سرمایه داری که حکومت با چنگ و دندان از آن دفاع میکند، باعث و بانی بحران گاز است. آنها مسئول کل این شرایط ضد انسانی هستند. آنها عامل بدبختی، فقر و محرومیت از ساده ترین نیازهای معیشتی هستند. تا هنگامیکه مثنی مفتخور و دزد اسلامی و غیراسلامی مشغول چپاول سفره و دارایی مردم هستند، کسی خوشبختی و بی نیازی را تجربه نخواهد کرد. تا هنگامیکه ثروتهای افسانه ای خرج دستگاه سرکوب و تحمیل مذهب می شود، مردم آسایش و رفاه را در زندگی خود نخواهند دید. نفس وجود رژیم اسلامی بحران زا است. مردم باید با اعتراضات خود اجازه ندهند حکومت اسلامی زندگی آنها را به نابودی بکشاند. باید مجبورشان کنیم که به خواستها و مطالباتمان فوراً پاسخ بدهند.

تنها با مبارزه متحد، میتوان رژیم را وادار به تامین گاز و نفت و وسائل گرمائی و نان و سایر وسائل مورد نیاز مردم کرد. حزب کمونیست کارگری از مردم میخواهد:

۱- همه جا به شیوه ای سازمانیافته به یاری آسیب دیدگان بشتابند

۲- دست به تجمعات اعتراضی بزنند و به دولت فشار آورند که

بلافاصله امکانات مختلف گاز و نفت و وسایل گرمائی لازم را تهیه و به رایگان در اختیار مردم قرار دهد.

۳- بخواهند که بیمارستانها بطور رایگان بیماران را بپذیرند و مداوا و در صورت لزوم بستری کنند.

۴- سرمایه داران و دولتشان از فرصت استفاده کرده و قیمت اجناسی مانند نان و وسائل گرمائی مورد نیاز مردم را به قیمت های چند برابر به فروش میرسانند. دولت را

باید وادار کرد که این وسائل را به میزان کافی بلافاصله تامین کند و با سوپسید و یا رایگان در اختیار مردم قرار دهد. مردم هر شهر و محل دسته جمعی تصمیم بگیرند و تا زمانی که مشکل گاز حل نشده از پرداخت پول برق و گاز خودداری کنند و این روحیه را به ایجاد همبستگی و سازمانیافتگی بیشتر تبدیل کنند.

۵- توزیع گاز و نفت و نان و سایر مایحتاج فوری را خود مردم در هر شهر و محله سازمان دهند و تحت کنترل خود درآورند.

۶- این حق مردم است که هر جا که بتوانند انبار مخترکان را مصادره کنند و به شیوه عادلانه در میان خانواده های نیازمند توزیع کنند.

آزادی، برابری، حکومت کارگری
مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد سوسیالیسم

حزب کمونیست کارگری ایران
۱ بهمن ۱۳۸۶، ۲۱ ژانویه ۲۰۰۸

قابل توجه نویسندگان انترناسیونال

آخرین زمان دریافت مطلب:

چهارشنبه ۱۰ شب بوقت اروپای مرکزی

حجم مطلب:

۲ صفحه آ، ۴، فونت ۱۴، فاصله نرمال - word

مطالبی که بعد از این زمان دریافت شوند، در صورت کهنه نشدن موضوع در شماره های بعد مورد استفاده قرار خواهند گرفت.

یک دنیای بهتر

برنامه حزب را بخوانید
و در سطح وسیع توزیع کنید

در پاسخ به هفته همبستگی ۱۳ تا ۲۰ بهمن با دانشجویان دستگیر شده

۴ نامه از مراکز مختلف کارگری در پاسخ به هفته همبستگی ۱۳ تا ۲۰ بهمن با دانشجویان دستگیر شده که به کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی ارسال شده است

جوامع بشری است. دانشجویانی که خواست آزادی و برابری، خواست حق تشکل، حق آزادی بی قید و شرط بیان و فعالیت اجتماعی را بر پرچم های خود نگاشته و برافراشتند مستحق بیشترین حمایت ها هستند و ما وظیفه خودمان میدانیم که از آزادی این عزیزان حمایت کنیم. و همچنین انزجار و تنفر عمیق خودمان را از قتل فجیع ابراهیم لطف الهی اعلام میداریم. ما خواهان آزادی بی قید و شرط همه دانشجویان و زندانیان سیاسی هستیم. زنده باد آزادی زندانیان سیاسی زنده باد آزادی ۸۶ / ۲ / ۱۱

دل ما را بیش تر از پیش در هم فشرد. این جنایت نیز به جواب دندان شکنی نیاز دارد و حمایت از فراخوان شما کوچکترین جواب به این بی حرمتی به مردم ایران است. در این تلاش ما را در کنار خود بدانید. ۸۶ / ۲ / ۱۱

جمعی از فعالین کارگری شاغل در مجتمع های نفت و پتروشیمی در جنوب خوزستان
با سلام
خانواده ها و دانشجویان مبارز ما بدینوسیله از فراخوان شما حمایت میکنیم. اعلام میکنیم که بازداشت دانشجویان، عملی ضد انسانی و مغایر با حقوق اولیه هر انسانی در

دانشجویان و زندانیان سیاسی باشییم
۱/۱۱/۸۶

تعدادی از مردم شهر ماهشهر
خانواده های مبارز، عزیزان دانشجویان زندانی فراخوان شما را از تلویزیون ها شنیدیم و در چنین لحظات سختی که شما با آن مواجه هستید، تنها راه را حمایت از دعوت شما یافتیم. امیدواریم مردم به تنگ آمده جامعه ایران، معلمین و سایر اقشار مردم نیز در این تلاش هر چه بیشتر شما را همراهی کنند تا قدمی به آزادی عزیزانمان نزدیک شویم. شنیدن خبر کشته شدن ابراهیم لطف الهی نیز

دانشجویان دربند و همه زندانیان سیاسی خواهیم بود.
۲/۱۱/۸۶

جمعی از کارگران مجتمع های پتروشیمی: مارون، فن آوران، فجر، بندر امام، اروند، فارابی واقع در منطقه ویژه اقتصادی ماهشهر
با سلامهای گرم، دست همه خانواده ها و دانشجویان فراخوان دهنده این کارزار را میفشاریم. ما ضمن محکوم کردن قتل ابراهیم لطف الهی، دانشجوی سندنجدی، از این مبارزه ای که دعوت کرده اید، حمایت میکنیم و امیدواریم با همبستگی و اتحاد همگانی، شاهد پیروزی و در نتیجه، آزادی همه

جمعی از کارگران کارخانجات ماشین سازی و تراکتور سازی، کارخانه سیمان صوفیان، پالایشگاه پتروشیمی تبریز
با سلام

ما در محل کارمان، در در محل زندگی مان و در میان خانواده هایمان، از فراخوانتان صحبت کردیم. مبارزات دانشجویان در آذر ماه امسال، بمانند نگینی بر تارک مبارزات مردم و کارگران خواهد درخشید. این مبارزات مظهر اراده جامعه ایران برای رسیدن به آزادی و برابری است. ما با افتخار از این فراخوان شما حمایت میکنیم. بدون شک پیروزی از دور نیست که شاهد آزادی

از صفحه ۸ آخرین اخبار از دانشجویان...

- ۲۹- امیر آقایی (دانشگاه رجایی)
- ۳۰- میلاد عمرانی (دانشگاه رجایی)
- ۳۱- سروش هاشم پور (دانشجو- اهواز)
- ۳۲- فرشاد دوستی پور
- ۳۳- سهراب کریمی
- ۳۴- جواد علی زاده
- ۳۵- محمدر صالح ایومن
- ۳۶- مهدی الهیاری (کارشناسی ارشد، دانشگاه صنعتی شریف)
- ۳۷- بهرام شجاعی (مهندسی شیمی، دانشگاه آزاد واحد تهران جنوب)
- ۳۸- سعید آقاخانی
- ۳۹- مجید اشرف نژاد (دانشگاه شهید رجایی)
- ۴۰- پیمان پیران
- کارشناسی ارشد صنایع، دانشگاه صنعتی شریف
- ۱۹- نسیم سلطان بیگی (دانشکده ارتباطات، علامه)
- ۲۰- علی سالم (کارشناسی ارشد پلیمر- پلی تکنیک)
- ۲۱- علی کانطوری
- ۲۲- روزبه صف شکن (دانشگاه تهران)
- ۲۳- یاسر (صدرا) پیر حیاتی (دانشگاه شاهد)
- ۲۴- سعید آقام علی (دانشگاه یزد)
- ۲۵- علی کلائی (دانشگاه آزاد واحد شهریار)
- ۲۶- امیر مهرزاد (دانش آموز)
- ۲۷- هادی سالاری (دانشگاه رجایی)
- ۲۸- حامد شفیق

فراخوان به تظاهرات

در پاسخ به فراخوان به هفته همبستگی با دانشجویان و زندانیان سیاسی

فرانکفورت:

شنبه ۲ فوریه ساعت ۱۳.۰۰
روبروی کنسولگری جمهوری اسلامی

Dornbusch Raimod Str. 90

برای اطلاعات بیشتر می توانید با شماره های زیر تماس حاصل نمایید:
0172-9716227
0163/6154384

هامبورگ:

شنبه ۹ فوریه ساعت ۱۳.۰۰
روبروی کنسولگری جمهوری اسلامی

Bebelallee 18

تلفن های تماس
0172-4037035
0172-4044323
0178-3379808

همه شما مردم آزادیخواه را به شرکت در این تظاهرات ها فرامیخوانیم. با شرکت در این برنامه ها به خواست خانواده های دانشجویان زندانی و دانشجویان دانشگاههای مختلف پاسخ دهید.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران- آلمان
۲۳ ژانویه ۲۰۰۸

یک دنیای بهتر

برنامه حزب را بخوانید
و در سطح وسیع توزیع کنید

Tel: 0046-739318404

Fax: 0046-8 6489716

markazi.wpi@gmail.com

دفتر مرکزی حزب